

ذکر خیری از یک شخصیت منور بلوچ / عرب تبار در نیمروز



دگروال سيد احمد عرب (۱۳۱۸ - ۱۳۹۰ ش)

نیمروز، در جنوب غرب کشور، سرزمین معروف و تاریخی است که محل زندگی طوایف و اقوام مختلف پشتون، تاجیک، بلوچ، براهوئی و غیره میباشد. بلوچها، یکی از اقوام زحمتکش آریائی اند که مسکن و ماوای تاریخی شان گدروزیا (بلوچستان) است. این قوم بر اثر یورش لشکرهای ملل همسایه یا بیگانه مجبور به ترک خانه و کاشانه اصلی خود شده و به نواحی اطراف پناه برده اند. بعد از مرگ نادرافشار بلوچها که عمدتاً از حامیان و لشکریان لطفعلی خان زند بشمار میرفتند بر اثر تاخت و تاز لشکریان ایران به کرمان و بلوچستان و مکران که در اوایل سلطنت فتحعلی شاه قاجار صورت گرفت، مجبور شدند از نواحی بم و کرمان در اوایل قرن ۱۹ وارد سیستان گردند. در این وقت ملک بهرام کیانی از سوی شاه زمان درانی مامور حکومت سیستان بود.

بلوچها در اوایل ورود خود به سیستان در دو طرف رودخانه هیرمند از حد رودبار تا چهاربرجک و بندر و در ولسوالی اصل چخانسور و ولسوالی کنگ و در سمت چپ رودخانه تا ناحیه ده دوست محمد و میل کورکی پراگنده شدند. بزرگترین رؤسای بلوچ سردار امام خان و سردار کمالخان سنجرانی و سردار خانبهان خان شیرانزائی و علم خان ناروئی بودند.

در میان این مهاجرین برخی از اعراب که با وصلت با بلوچان فرهنگ بلوچی را پذیرفته بودند، نیز دیده میشدند. یکی از این افراد، "گلزار" جد دگروال سید احمدخان عرب نام داشت که در محل زمین های زرنج کنونی رحل اقامت افگند و آنجا را محل سکونت خویش قرار داد و با پشت کار و زحمت کشی آن زمین هارا به مزرعه مبدل نمود. گلزار

دپانو شمیره: له ۱ تر ۵

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دلپکنې د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ

صاحب دو فرزند به نام جمال الدین و محمد علم گردید که محمد علم بعدا به کد خدا علم معروف شد و چون از هوش و استعداد و اعتبار فراوان برخوردار بود، مورد توجه دولت قرار گرفت و مامور جمع آوری مالیات از مردم محل برای دولت گردید. این خدمات او از سوی دولت بی پاداش نماند و به اخذ چند تقدیر نامه از سوی دولت مفتخر گردید.

کد خدا علم صاحب شش فرزند به نام های یارمحمد، دوست محمد، فیض محمد، سید محمد، نظر محمد و محمد عوض بود که در میان فرزندان او، دو تای آنها یعنی دوست محمد خان و فیض محمد خان نامدار تر بودند، اولی به حیث و کیل مردم نیمروز در عهد شاه محمود خان و دومی یعنی فیض محمد خان بحیث معلم و استاد به تعلیم و تربیت فرزندان نیمروز مدت چهاردهه مصروف بود و میتوان گفت: تمام شخصت های نظامی و فرهنگی و سیاسی نیمروز که دوره ابتدائی خود را در ولسوالی کنگ کسب تعلیم کرده اند تربیت یافته دست او هستند. نگارنده این سطور نیز افتخار شاگردی استاد فیض محمد خان را داشته است. وی معلمی با انضباط و بادسپلین بود و شاگردان از وی حساب می بردند، او استادی منظم، خوش تیپ و باوقار و نجیب بود و چشم طمع از شاگرد و اولیای شاگرد خود نداشت و به همین دلیل تا زنده بود مورد احترام خاص و عام مردم نیمروز و اهل معارف قرار داشت.

بازماندگان استاد فیض محمد خان تاریخ تولد او را سال ۱۲۹۲ هـ ش سراغ میدهند. مرحوم استاد این شخصیت والا و روزگار دیده مظهر نیکویی و نیکوکاری بلافاصله بعد از اخذ تقاعد از معلمی بخاطر رفع اختلافات و خصومت های قومی محلی کمر همت بست و به وساطت برخاست و با اراده قوی و احساس وطن دوستی منازعات قومی را با فراست و درایت حل کرد و در این راستا تا اخیر عمر در خدمت مردم قرار داشت.

خوشاکسیکه از او هیچ بدیه کس نرسد غلام همت آنم که این قدم دارد

دریغا که این استاد روشن ضمیر در سال ۱۳۷۰ به عمر ۷۸ سالگی به اثر بیماری قلبی داعی اجل را لبیک گفت و رهسپار دیار ابد گردید. مخلصین و ارادتمندان درگذشت استاد را ضایعه ای بزرگی در جامعه علم و معرفت و پروسه صلح و آشتی میدانند که جایش برای همیشه خالی خواهد بود..

برادر دیگر شان، وکیل دوست محمد خان نام داشت. وی از چنان احترام و عزت و شهرتی در میان مردم نیمروز برخوردار بود که در عهد شاه محمود خان بحیث وکیل مردم نیمروز خدمت نمود. گفته میشود وی با قبول زحمت های فراوان و پیمودن راه های دشوار توسط اسب و شتر تا کابل سفر نمود و زمین های را که پدر و پدراکلانش آنها را آباد نموده بود، در دفاتر املاک پای تخت رسمیت بخشید و بعد از ثبت نمودن زمین قریه مذکور به نام شخص حاجی وکیل مسمی گردید.

دگروال سید احمد خان، پسر ارشد همین وکیل دوست محمد خان بود که او نیز راه پدر را به پیش برد، دوبار به وکالت از مردم نیمروز در لویه جرگه های دولت کرسی شرکت ورزید و سرانجام بحیث رئیس شورای ولایتی نیمروز از طرف مردم زرنج برگزیده شد و در همین وظیفه بود تا زندگی را در اوج عزت و افتخار پدرو گذشت.

دگروال سید احمد خان تحصیلات ابتدایی را در ولسوالی کنگ به پایان رساند. ولسوالی کنگ از زادگاه وی یعنی زرنج موجوده ۲۰-۲۵ کیلومتر دور است که در تمام مدت دوره ابتدائیه در هفته شش روز زحمت پیمودن راه طولانی را در گرما و سرما تحمل نمود و تحت نظر عمویش استاد فیض محمد خان هرگز از مکتب غایب نمیشد و سرانجام چون در میان همکلاسان دارای نمرات عالی تر بود، غرض تحصیلات نظامی به کابل فرستاده شد. در سال (۱۳۳۲ش) وارد حربی شونجی گردید و مدت ۲ سال تعلیمات نظامی را با جدیت تمام فرا گرفت و بعدا در سال (۱۳۳۸) شامل حربی پوهنتون گردید. ۳ سال تحصیلات عالی نظامی را موفقانه به پایان رساند و به خدمت نظامی در آمدند و وی اوایل خدمت را در هرات و قندهار سپری کرد و باقی ۳۰ سال را تا زمان تقاعد در کابل اجرای وظیفه نمودند و چنانکه برای همه وطنداران و همکاران آشکار است وظایف نظامی خود را بسیار صادقانه به پیش بردند و به اخذ مدال ها، تقدیرنامه ها و ترفیعات نایل گردیدند.

طبق اظهارات خانواده اش موصوف و ابسته به هیچ حزب، سازمان و نهادی سیاسی نبود و در تمام رژیم ها به وظیفه مقدس خویش که دفاع از ناموس، عزت و شرف ملت افغانستان و تمامیت ارضی آن بود پرداخت و بخاطر داشتن

درايت كافي نظامي افتخار تعليم و تربيه عساكر صديق و خدمتگذار را به وطن نيز داشت. وي زندگي ساده و منظم مطابق با همان معاش دولتي داشت و افتخارش هميشه اين بود كه اولادش را با نان حلال بزرگ و به جامعه تقديم نمايد.

دگروال سيد احمد خان بعد از تحصيلات نظامي در حربي پوهنتون كابل با دختر كاكاي خود استاد فيض محمد خان ازدواج نمود و ثمره اين ازدواج چهار فرزند، دو پسر و دو دخترمى باشد: داکتر فرید احمد احمدی، داکتر وحید احمد احمدی، شکیلا احمدی و ملالی احمدی که همه شان به ایفای وظیفه در نیمروز مشغول اند فقط داکتر وحید در اروپا و در کشور هالند می باشند.

داکتر وحید احمدی و ملالی احمدی به هنر شعر و نویسنده گی علاقه وافر دارند که وحید احمد اشعاری نیز سروده است و برنامه های تلویزیونی شبهای شعر جوانان را در نیمروز تهیه مینمود. ملالی نیز شعر میگوید و کتابی به نام زن و جامعه نوشته است که در این راه پدرش پشتی بان و مشوق فرزندان خود بوده تا در راه علم تحصیل و پیشرفت کنند.

دگروال سيد احمد خان مردی بود دلسوز، مدیر و روشنفکر که بعد از ۳۰ سال خدمت به زادگاه خود نیمروز برگشت و به شغل پدری یعنی زراعت روی آورد و در قریه پدری مسکن گزید. بعداً در سال ۱۳۸۱ در لویه جرگه اضطراری منحيث وکیل منتخب مردم ولایت نیمروز اشتراک ورزید و در سال ۱۳۸۴ دوباره به آرای بلند مردم نیمروز، به شورای ولایتی راه یافت و مدت ۵ سال به بسیار افتخار و صداقت ایفای وظیفه نمود.

در دوره خدمت خود چه در نظام عسکری و چه در دوره های وکالت چنان با صداقت و جرأت سخن میراند و مردم را رهنمائی میکرد که همه مردم و مقامات دولتی به او احترام میگذاشتند و از رأی و مشوره های ایشان استفاده می کردند. در تمام مسائل قومی و حتی موضوعات عمده و برجسته مربوط به ولایت و همچنین گفتگوهای متنفذین رول عمده داشت. نامبرده شب ۱۳۹۰/۲/۲۴ شمسی زندگی را پرود گفت و در مقبره آبائی خود در نیمروز بخاک سپرده شد. چون مردم ولایت نیمروز همه مانند یک خانواده اند، مرگ وی ضایعه بزرگ و جبران ناپذیر در میان متنفذین و خیر خواهان محل تلقی میگردد. روح شان شاد و نام شان همواره گرمی باد!

در میان خاندان دگروال مرحوم دو دختر شان هریک ملالی جان و شکیلا جان فعلاً معلمین لیسه فرخی سیستانی و یکی هم فرشته جان شیرزاد از جمله فعالان جوانان نیمروز اند که اندکی آنها را در اینجا به معرفی میگیریم:

ملالی احمدی بلوچ:

ملالی (احمدی) بلوچ دختر الحاج دگروال سيد احمد عرب تبار است که در كابل به دنيا آمده و تاصنف هفتم در مکتب سيد نورمحمد شاه مینه كابل آموزش دیده و بعداً به سرزمین اجدادی خویش یعنی ولایت نیمروز آمده و تحصيلاتش را در لیسه نسوان زرنج ادامه داد و در سال ۱۳۸۱ از این لیسه به درجه اعلی فارغ التحصیل شد. سپس شامل دارالمعلمین عالی زرنج گردید و در سال ۱۳۸۳ از دارالمعلمین زرنج در رشته بیالوژی به درجه اول نمره فارغ گردید.

در دوره حاکمیت طالبان نیز چند کورس و تریننگ نرسنگی را گذرانده و در کلینیک سره میاشت به مدت ۵ سال ایفای وظیفه نموده است. و تصدیق نامه های نیز از دفتر E.C.I، یونیسیف، سره میاشت و اتحادیه جوانان در رشته های طبی، کمپیوتر و انگلیسی دارد و همچنان مدیر مجله «ستاره سیستان» است. ایشان همچنین در بخش های فرهنگی به صورت فعالانه با بعضی از ارگان های مرتبط با جوانان نیز همکاری می نماید که از آن جمله می توان به همکاری با مرکز معلومات و ارتباط جوانان اشاره نمود که منحيث عضو فعال و یکی از اعضای کادر مشوره دهی آن مرکز نیز یاد می شود. وی همزمان منحيث یکی از اعضای شورای عالی جوانان ولایت نیمروز در بخش های مختلف ایفای وظیفه

مینماید. و همچنین با مجلات و نشریاتی که در ولایت نیمروز نشر می گردد همکاری قلمی دارد. در پهلوی این مسائل نامبرده در بخش وظایف رسمی منجیت معلم در لیسه فرخی شهر زرنج ایفای وظیفه می نماید.

شکیلا احمدی (بلوچ)

حاجیه شکیلا احمدی (بلوچ) بنت دگروال سید احمد خان عرب، در سال ۱۳۵۳ در شهر کابل در یک خانواده روشنفکر متولد گردید. تحصیلاتش را تا صنف ۱۱ در این شهر ادامه داد و سپس نظر به عزیمت شان به ولایت نیمروز ادامه تحصیلاتش در این ولایت آغاز نمود و از لیسه نسوان شهر زرنج از دوره لیسه فارغ گردید. سپس نظر به علاقه ای که به وظیفه مقدس معلمی داشت شامل دارالمعلمین عالی زرنج گردید و در رشته بیالوژی دو سال تحصیل نمود و موفقانه این دوره تحصیلی را نیز به پایان رساند. در دوره طالبان نامبرده مشغول تعلیم و تعلم در خانه به اولاد و وطن بود و بیشتر کوشش می نمود تا اطفال و جوانان را با درس و تعلیم آشنا نموده برایشان مسیر درست را نشان دهد.

بعد از حکومت طالبان به صفت معلم در لیسه فرخی شهر زرنج مشغول خدمت گردید و فعلاً نیز بدین وظیفه مشغول می باشد. وی در عرصه فعالیت های فرهنگی نیز استعداد شان را بروز داده منجیت عضو تحریر مجله «ستاره سیستان» خدمات شایانی را به جامعه فرهنگی ولایت نیمروز انجام داده اند.

فرشته شیرزاد:

فرشته بنت شیر احمد نواسه استاد فیض محمد خان و دختر پسر عمومی دگروال مرحوم سید احمد خان است.

فرشته شرح حال خود را چنین رقم زده است:

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۴/۱۰ خورشیدی در شهر زرنج نیمروز،

فارغ صنف ۱۲ لیسه نسوان زرنج در سال ۱۳۸۴

و فارغ التحصیل صنف ۱۴ دارالمعلمین عالی زرنج.

وظیفه: از سال ۱۳۸۴ به اینسو معلم لیسه فرخی سیستانی در زرنج.

فعالیت ها: به صورت عموم در بخش های فرهنگی، اجتماعی و مطبوعاتی.

۱- همکاری قلمی با مطبوعات آزاد از جمله:

* عضو هیئت تحریر و نماینده گاهنامه علمی، فرهنگی، اجتماعی ستاره سیستان.

* مجله جوانان نیمروز از نشرات اتحادیه جوانان ولایت نیمروز.

* نشریه آزاد، ملی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (راه سبز) و سایر نشرات ولایتی.

۲- در بخش رادیو محلی نیمروز از سال ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۴ به حیث تهیه کننده و گوینده برنامه مشکلات زنان

و دختران افغان.

۳- نویسنده طویل ترین نامه قلمی در سطح کشور: پیرامون دفاع از حقوق زنان که طول آن به بیشتر از (۳۵) متر

و عرض آن (۲۵) سانتی متر میرسد و منعکس کننده پرابلم های زنان در جامعه افغانی ما میباشد. فعلاً اصل آن در

موزیم ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت نیمروز به نمایش گذاشته شده است.

۴- مکافات و دریافت تحسین نامه ها و تقدیر نامه ها:

* در سال ۱۳۸۱ تقدیر نامه ای به مناسبت شاگرد ممتاز از ریاست معارف نیمروز دریافت نمودم.

*- در سال ۱۳۸۳- از جانب اتحادیه جوانان نیمروز به حیث جوان موفق در سطح ولایت نیمروز انتخاب و معرفی گردیدم.

*- در سال ۱۳۸۴ تحسین نامه ای به مناسبت دفاع از حقوق حقۀ زنان ، از سوی اتحادیه جوانان ولایت نیمروز دریافت نمودم.

*- در سال ۱۳۸۵ به خاطر تلاش برای از بین بردن بیسوادی ، تقدیر نامه ای از جانب اتحادیه معلمان افغانستان از کابل دریافت نمودم.

*- در سال ۱۳۸۵ کاندیدای دریافت جایزه ملی حقوق بشر از زون غرب گردیدم که بنا بر مشکلات نتوانستم به این مهم دست یابم و در پروسۀ رقابت آن شرکت نمایم.

*- با بدست آوردن مقام اول رادیو صدای نیمروز در سطح کشور، اینجانب به شمول همکارانم موفق به دریافت جایزه تقدی از سوی مقامات ولایتی گردیدم.

*- در سال ۱۳۸۹ تقدیر نامه ای از لیسه عالی خصوصی میرویس خان هوتک دریافت نمودم.

۵- نویسنده کتاب فریاد دل که تافلاً از جمله آخرین فعالیت هایم میباشد هستم. و اکثریت مطالب آن که در رابطه به دفاع از حقوق زنان و دختران افغان میباشد ، چکیده افکار و اندیشه های خودم است و آن را به رشته تحریر درآورده ام.

همچنین در امتحانات کانکور سال ۱۳۸۹ نیز مقام سوم را بدست آورده در پوهنچي ادبیات هرات کامیبا شدم و نیز به همین مناسبت بورسیه تحصیلی از کشور هندوستان دریافت نمودم که بنا بر مشکلات نتوانستم دعوت نامه را قبول کنم. اشعار بلوچی و دری نیز میسریم که اکثر اشعارم ملی و میهنی میباشد.

این بود معرفی مختصری از یک خانواده روشنفکر نیمروز که نزد شان خدمت به میهن و مردم افغانستان بیشتر از قوم و تبار و زبان شان ارزش دارد. ما پیروزی های هرچه بیشتر این جوانانرا آرزو می کنیم.

پایان